

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله: الگوی سوم زن مسلمان در مدیریت خانواده و حفظ هویت ایرانی اسلامی

نام استاد راهنما: فریبا عقیلی

نام نویسندگان: اکرم پور مولایی - مریم السادات یعقوبی

حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) - استان زنجان - شهرستان ابهر

چکیده

زن و مباحث پیرامون آن از جمله مسائل مطرح شده در اسلام است که به آن اهتمام ویژه‌ای شده است. الگوی سوم زن مسلمان که از سوی رهبری مطرح می‌باشد از زنان به‌عنوان یک فرد فعال و مؤثر قلمداد می‌کند که نقش به‌سزایی در خانواده و جامعه‌ی اسلامی داشته‌اند. این مقاله که با هدف بررسی الگوی سوم زن مسلمان در مدیریت خانواده و حفظ هویت ایرانی بیان شده است، سعی دارد با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای پس از تبیین الگوی سوم زن مسلمان، به بررسی نقش زن مسلمان در مدیریت خانواده و ارتباط آن با حفظ هویت ایرانی اسلامی بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ این الگوی توانمند در مدیریت خانواده، حفظ و انتقال ارزش‌های اسلامی و ایرانی و مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. مدیریت مؤثر زنان می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی، کاهش تنش‌ها و افزایش کیفیت زندگی خانواده منجر شود. هویت ایرانی اسلامی به‌عنوان یک میراث فرهنگی و دینی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی زنان دارد. زنان می‌توانند با آموزش ارزش‌ها، سنت‌های ایرانی اسلامی به فرزندان خود، برگزاری مراسم‌های مذهبی و فرهنگی، هویت فرهنگی را در خانواده حفظ کنند.

واژگان کلیدی: الگوی سوم زن، مدیریت خانواده، حفظ هویت، هویت ایرانی اسلامی.

مقدمه

یکی از مسائلی که به شکل جدی امروزه مورد توجه افکار عمومی ایران در جهان قرار گرفته است، موضوع زن است. مکاتب گوناگون و ایدئولوژی‌های سکولار مدرن هر یک به فراخور مبانی خود، با نگاهی خاص به جایگاه زن، مقوله‌ی زن را در اجتماع ترویج می‌کنند و فرهنگ جوامع مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما انقلاب اسلامی ایران، نگاهی نو و تمدن آفرین در این موضوع در قالب کنش‌گری و فعالیت زن مسلمان داشته و دارد.

براساس گفتمان انقلاب و رهنمودهای امامین انقلاب، زن هم رکن خانواده است و هم می‌تواند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و حکومتی و ... نقش اثرگذار داشته باشد. هدف از الگوی سوم زن مسلمان در جامعه ایرانی، ترکیب نقش‌های مختلف زنان به منظور توسعه‌ی جامعه و تبیین هویت ایرانی اسلامی است. شاید کمتر کسی «الگوی سوم زن» به گوشش خورده باشد. الگویی که از منظومه‌ی فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج شده و جدای از شرق و غرب و منطبق بر آیین اسلام است. به همین جهت ضرورت دارد در این مسئله بحث شود.

در این پیشینه، مقالات فراوانی صورت گرفته است که به آن‌ها اشاره شده است:

۱. مقاله‌ی «بررسی نقش زنان روستایی در آذربایجان غربی در دفاع مقدس»، ارائه شده در همایش ملی الگوی سوم زن مسلمان در گام دوم انقلاب. نویسنده: میکائیل علیپور و همکاران، ۱۴۰۱.
(این مقاله ابعاد حضور حماسی و بی‌بدیل زنان روستایی در دفاع مقدس را به عنوان الگوی سوم زن مسلمان روشن ساخته است.)

۲. مقاله‌ی «بازنگری فکری - کلامی الگوی اجتماعی زن»، فصلنامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. نویسنده: فاطمه وفایی صدرو و همکارانش، ۱۳۹۴. (هدف از این مقاله، بررسی مبانی کلامی الگوی سوم زن است.)

۳. مقاله‌ی «بازنمایی مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در رسانه‌ها»، ماهنامه نخبگان علوم و مهندسی. نویسنده: مهتاب خوانی و دیگران، ۱۴۰۲.
(در این مقاله نویسندگان به بازنمایی مؤلفه‌های الگوی سوم زن در رسانه و اهمیت این بازنمایی پرداخته است.)

با بررسی در پیشینه‌های فوق؛ در تحقیق حاضر هدف پرداختن به مفهوم الگوی سوم زن مسلمان، نقش زنان در مدیریت خانواده، چگونگی حفظ هویت ایرانی اسلامی، چالش‌ها و موانع موجود در این مسیر است.

۱. مفهوم الگوی سوم زن مسلمان

الگو واژه‌ای است فارسی که به معنای؛ سرمشق، نمونه و اسوه به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۱۹۶). این واژه که در جای جای آیات کریمه بیان شده است، نمونه‌ی بارز شخصیتی والا و بلندمرتبه است که خداوند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به عنوان سرمش و اسوه نیکو معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می‌کند.» (سوره احزاب: آیه ۲۱). به همین جهت، از

نظر تربیتی معرفی الگو از بهترین روش‌های عملی تربیت به شمار می‌آید که برخی اثر بخشی آن را از سخنان زیبا فزون‌تر می‌دانند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۳).

با این اهمیت، در جهان امروزی دو الگو در ارتباط با زن مطرح شده است. اولین الگوی مطرح شده درباره زنان الگوی زن شرقی است. این الگو که برگرفته از ادیان تحریف شده است، در تاریخ همهی جهان قابل بررسی است و در برخی از کشورها اجرا می‌شود. (نورافروز، ۱۳۸۴، ص ۴۰). این الگو، زن را ذاتاً ضعیف، ناقص دانسته‌اند. و همهی کارهای اجتماعی و مسئولیت اجتماعی را فقط در مردان می‌بینند و زنان بهره‌ای از این ویژگی‌ها ندارند؛ براین اساس؛ زنان هیچ مسئولیت اجتماعی ندارد. برای نمونه ارسطو زنان را حاصل خطای طبیعت و نقص آفرینش می‌داند و از نظر او زن فقط مرد ناکام است. (همان، ص ۴۸). براساس این نگاه، زن محدود به خانه‌داری و فرزندآوری است. در این الگو زن شایسته، زنی است که در خانه محصور است، حضور اجتماعی ندارد و از کسب علم نیز منع می‌شود. فروید در این باره معتقد است زن فقط برای تکثیر نسل و خدمت به اهالی خانه آفریده شده است. این عقاید که در مسیحیت و یهودیت تحریف شده بود در قالب اسرائیلیات وارد اسلام شد. (همان، ص ۷۱).

در واکنش به الگوی زن شرقی، الگوی غربی به وجود آمد. در این الگو، زنان با شعار تساوی حقوق زن و مرد و آزادی زنان وارد اجتماع شدند. «کارخانه داران برای اینکه زن را از خانه به کارخانه بکشند و از نیروی اقتصادی او بهره‌کشی کنند، حقوق زن، آزادی زن، تساوی حقوق زن با مرد را عنوان کردند و آن‌ها بودند که توانستند این خواسته‌ها را قانونی دهند.» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۹). برخی از این قوانین، شرایط اجتماعی و حتی مباحث جنسیت‌زده مسیحیت مورد انتقاد واقع شد. اما این قانون با تحت‌تأثیر مبانی همچون؛ تجربه‌گرایی، سکولاریسم، اومانیسم، لذت‌گرایی و سودگرایی قرار گرفت. تا جایی که این تأثیرات در فمینیسم رادیکال مشاهده شد که نمونه‌ی آن هم‌جنس‌گرایی است. آنان این اصطلاح را افتخاری برای زنان بیان می‌کردند و در این صورت بود که یک زن با جدا شدن از خانواده، پایبند نبودن به ارزش‌های اخلاقی به یک نوع لذت‌گرایی و سودگرایی منتهی شد. (بیسلی، ۱۳۸۵، ص ۸۰).

از دیگر مبانی که فمینیسم لیبرال از آن به عنوان مهم‌ترین جریان فمینیسم یاد کرد است، نفی تمام تمایزهای جنسیتی و بر ساخته دانستن تمام اختلافات زنانگی و مردانگی است. بر طبق این نظریه، در عالم خارج تنها انسان وجود دارد بدون هیچ اختلافی. تمامی اختلافات انسان، در اندیشه و احساسات و تمایلات و... بر ساخته جامعه مردسالاری است. براساس این نوع نظریه، زنان چیزی جز از دست دادن ویژگی‌ها زنانگی ندارند. (همان، ص ۸۵).

حضور اجتماعی زن در این الگو با زیر بنای اقتصادی بوده است و زنان از دو جهت وسیله‌ای برای رسیدن به این نظام به سود بیشتر بوده‌اند، هم در جهت نیروی کار ارزان‌تر و هم برای رواج فرهنگ مصرف‌گرایی. در نتیجه زنان با حضور پر رنگ در اجتماع و تصدی مشاغل برابر با مردان ولی با درآمد پایین‌تر با آسیب‌های متعدد جسمی و روحی در اجتماع مواجه شده و از خانواده و حریم خانه دورتر شدند. نکته مهم در این دو الگو این است که در هر دو الگو زن مورد ظلم و ستم قرار خواهد گرفت و تنها شکل این ظلم متفاوت است. (همان، ص ۹۰).

با توجه به مبانی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و لزوم معرفی الگوی مناسب اسلامی ایرانی با تأسی از اندیشه‌های بلند رهبر انقلاب، الگوی سوم زن مسلمان تئوریزه شد. که هر یک بخشی از وجود او را مورد غفلت قرار داده است. انقلاب اسلامی که با زیربنای ایدئولوژیک اسلامی اقدام به استقرار حکومت کرد نیازمند گفتمان خاص خود در رابطه با مفاهیم اصلی جامعه از جمله خانواده، زن، توسعه اقتصاد و ... بود. گفتمانی که الگوی سومی برای تمام زنان عالم معرفی می‌کند که نه شرقی است و نه غربی. در نگاه اسلام و انقلاب اسلامی به زن، زن نه تنها موجود کاملی است؛ بلکه خانواده‌ساز و جامعه‌ساز و از آن بالاتر تمدن‌ساز است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام خود خطاب به زنان چنین فرمودند: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.» (بیانات رهبری در پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

در این الگو، دین از مهم‌ترین مبانی است که نقطه مقابل سکولاریسم غربی است و زن به عنوان فردی مسلمان و مقید به قوانین اسلام در اجتماع ورود می‌کند. زن به عنوان یک انسان در وهله اول باید همچون مردان به مقام عبودیت برسد. در این الگو باید تمام فعالیت‌های زن چه در خانه و چه در حال تحصیل و چه در اجتماع. خروجی الگوگیری برای زن انقلاب اسلامی باید به عبد شدن زن کمک کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی زمینه بروز و ظهور بندگی زن را فراهم کند.

این الگو دارای ویژگی‌های؛ توانمندی در مدیریت خانواده، حفظ و انتقال ارزش‌های اسلامی و ایرانی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی است. برخلاف الگوی غربی و شرقی که زن را به

عنوان زن امروزی و فعال اجتماعی می‌دانند که خانواده برایش اهمیت ندارد و در عوض فرهنگی و شخصیت اجتماعی برایش ارزش دارد. زن فقط خانه‌دار بوده و هیچ آگاهی و علمی نداشته و حق دخالت در امور اجتماع را ندارد. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۸۴/۳/۲۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نگاه نوعی به موضوع زن ایجاد شد. مکاتب گوناگون و ایدئولوژی‌های سکولار مدرن هر یک به فراخور مبانی و جهت‌گیری‌های خود نگاهی خاص به مقوله‌ی زن را ترویج می‌کردند. در چنین فضایی انقلاب اسلامی حرف و نگاهی نو و تحول‌آفرین را در این موضوع پیش‌روی بشریت گذاشت. این نگاه جدید در قالب کنش‌گری و فعالیت «زن مسلمان ایرانی» عینیت یافت و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید. الگویی که «نه شرقی است و نه غربی.» به همین جهت، الگوی سوم زن، الگویی است که نه شرقی است و نه غربی. زن در تعریف غالباً شرقی همچون عنصری است در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی است که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد. اما در نگاه رهبر انقلاب اسلامی می‌توان زن بود، عفیف، محجبه و شریف بود؛ اما در عین حال، در متن و مرکز جامعه بود.» (بیانات رهبری در پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

طبق این مبنا، الگوی سوم به معنای فراتر رفتن از الگوهای سنتی و مدرن است که در آن زن مسلمان به عنوان یک فرد فعال و مؤثر در جامعه و خانواده شناخته می‌شود. این الگو به زنان این امکان را می‌دهد که همزمان با ایفای نقش‌های خانوادگی، در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز حضور داشته باشند. این توجه هم زمان به حضور دختران و زنان هم در متن و هم در مرکز، یکی از شاخصه‌های الگوی سوم زن است که نشان می‌دهد بانوان ما چه به عنوان پیروانی پی‌گیر و چه به عنوان پیش‌تازان پی‌ریز می‌توانند و باید در حوزه‌های مختلف جامعه نقش ایفا کنند. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

۲. نقش زن مسلمان در مدیریت خانواده

خانواده نهادی محوری و اساسی در جامعه است و هسته اولیه جامعه به‌شمار می‌رود. رسیدن به مدینه فاضله‌ای که اسلام ترسیم می‌کند، بدون حضور سازنده و فعال نهاد مقدس خانواده، امکان ندارد؛ زن و شوهر دو رکن اصلی این نهاد هستند که نقش زن با معنایی بی‌بدیل در جهت‌گیری‌های این نهاد عالی، دارای اهمیت است. چنان‌که امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند: «صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زن سرچشمه می‌گیرد؛ زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی را به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به‌عکس آن باشد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۹۲).

به جهت همین هویت مستقل ایرانی اسلامی و فضای ایجاد شده‌ی ناشی از انقلاب اسلامی است که «این همه استاد دانشگاه زن، این همه پزشک متخصص و فوق تخصص زن، این همه دانشمند محقق در بخش‌های مختلف، دانش‌های پیشرفته، فناوری‌های پیشرفته، زنان دانشمند، زنان فرهیخته آنجا مشغول کار هستند. این در پیش از انقلاب سابقه نداشت؛ این کاری است که انقلاب کرد. این نقش زنان نه تنها در عرصه‌ی علمی قابل مشاهده است بلکه در عرصه‌های ورزشی، سیاسی نیز این نقش نمود پیدا کرده است. در میدان‌های ورزشی؛ شما ببینید، دخترهای ما می‌روند در میدان‌های ورزشی، قهرمان می‌شوند، طلا می‌گیرند با حجاب اسلامی... در بخش‌های مختلف، در المپیادهای علمی، در جاهای مختلف، همه جا خانم‌ها پیشرفت کرده‌اند؛ یعنی واقعاً این جووری است.» (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

با این اهمیت اگر زنان در این نهضت همکاری نمی‌کردند، انقلاب هم پیروز نمی‌شد. یقیناً اگر زن‌ها در داخل خیابان‌ها و در راهپیمایی‌های عظیم حضور پیدا نمی‌کردند، آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب، انقلاب پیروز نمی‌شد. در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان، که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر اینها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آن‌ها را مشاهده کنم، ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن‌بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاری‌های جوانان و مردان را نشان نمی‌دادند، جنگ پیروز نمی‌شد. اگر مادران و همسران شهدا بی‌صبری نشان می‌دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می‌خشکید؛ این‌گونه نمی‌جوشید؛ این‌گونه به جامعه طراوت نمی‌داد. در میدان جنگ هم زنان نقش‌های درجه اول را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدان‌های مختلف، در راهپیمایی‌ها و در انتخابات نمی‌بود، یقیناً این حرکت عظیم مردمی نمی‌توانست این‌گونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است. لذا زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن‌چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ی است بر دوش زنان مسلمان؛ بخصوص زنان جوان و دختران دانش‌آموز و دانشجو. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان: ۱۳۷۹/۳۰۶).

با این بیانات رهبری در می‌یابیم که فعالیت زن در بیرون از خانه نه تنها از هویت و ارزش اسلامی نمی‌کاهد؛ بلکه زنان مسلمان با حفظ حجاب و با مدیریت خویش می‌توانند با تلاش در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، علمی و ورزشی نقش آفرینی داشته باشند.

۴. چالش‌ها و راه‌کارهای مقابله با حفظ هویت اسلامی

پس از بررسی نقش زن در مدیریت و حفظ هویت ایرانی اسلامی لازم است با چالش‌ها و راه‌کارهای مقابله با آن آشنا شد.

۴-۱. چالش‌ها و موانع موجود

برخی از چالش‌های موجود در هویت اسلامی زنان؛ شامل فشارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که ممکن است آنان را در ایفای نقش‌های خود محدود کند.

از آنجا که گاهی اوقات ساختارهای جامعه زنانه ما با الگوی سوم زن مسلمان تطابق ندارند؛ لذا نقش آفرینان ما بعضاً در قلبشان به الگوی زن شرقی اعتقاد دارند، پس برای تغییر اوضاع جامعه و زنان تلاش نمی‌کنند. این گروه نمی‌خواهند نقش آفرینی اجتماعی برای زنان، امری سهل باشد و از مشکلات زنان در راه زندگی غنی‌تر خوشحال می‌شوند. بنابراین وقتی زنی نمی‌تواند علاوه بر مادری و همسری، فعالیت و علاقه‌مندی دیگری داشته باشد و ناامید و سرخورده می‌شود، به او چنین القا می‌شود که اساساً زن نباید در این چالش‌ها وارد شود و بهتر آنست که نقش‌های سنتی خود را به درستی ایفا کند. این مهم‌ترین چالش برای زن است. (داورپناه، ۱۴۰۱، ص ۲۰۶).

در مقابل، گروه دیگری به طبع از الگوی غربی به عنوان تنها راه ممکن می‌اندیشد و متأسفانه از الگوی غربی هم صرفاً تقریر فمینیستی سطحی را می‌شناسد. وگرنه در همان غرب هم خلاقیت‌های متنوعی برای سازگاری فعالیت‌های اجتماعی و نقش‌های خانوادگی وجود دارد. این گروه مثل دسته اول به آشتی ناپذیری ساحت‌های مختلف زندگی زنان معتقدند ولی به جای خانواده مصالح دیگر فرد یا جامعه را اولویت قرار می‌دهند. این گروه از کاهش ازدواج و فرزندآوری میان زنان استقبال می‌کنند و در آشکار و نهان با دین و مصالح آن دشمنی می‌کنند. این نوع نگرش زنان هم از دیگر چالش‌های هویت نیافتن زنان در سطح جامعه است. (همان، ص ۲۰۷).

۴-۲. راه‌کارهای مقابله

در تبیین نحوه برخورد با چالش‌های استقرار این الگو که امید است ما را به سر منزل مقصود برساند راه‌کارهایی بیان شده است. میرباقری در این باره می‌فرماید: ما باید در نقطه‌ی مقابل آن‌ها اقدام کنیم؛ یعنی اگر ما منتظر یک تحول همه‌جانبه و فراگیر نسبت به همه‌ی ساحت‌های حیات انسان و همه‌ی آنات زندگی هستیم باید بتوانیم تحقق ارزش‌های الهی را مدیریت کنیم. آن‌ها باید آرام‌آرام و با تناسب‌سازی به زندگی ما وارد و به مدل زندگی ما تبدیل شوند؛ یعنی الگوی خوراک و پوشاک و مسکن و ارتباطات و اشتغال و خانه‌داری و حضور در محیط اجتماعی باید براساس این ارزش‌ها شکل گیرد. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

پس بانوان باید اول مفهوم انتظار را به ویژه در زمینه‌ی مأموریت‌هایی که بر دوش بانوان است و نسبت به همه‌ی ساحات زندگی باز تولید کنند. کسی با حضور اجتماعی بانوان، با تحصیل و آگاهی‌افزایی آن‌ها مخالف نیست، ولی این‌که این امور به آن شیوه‌ها و ساختارهایی تبدیل بشود که غرب مدیریت می‌کند و بر محور آن ارزش‌ها ما در عمل تحت تأثیر جامعه‌ی غربی قرار بگیریم غلط است. مجموعه برنامه‌ریزی که الآن در دنیا برای بانوان می‌شود و به نسبت زیادی در دنیای اسلام و حتی در جامعه‌ی تشیع و تا حدودی در کشور ما هم تبعیت می‌شود از بنیان غلط است. ارزش‌سازی، تولید مفاهیم و ساختارهای اجتماعی، همه باید از نو بر محور مفاهیم و ارزش‌های اصلی‌ای که در دوره‌ی ظهور آن‌ها را می‌خواهیم باز تولید شوند و مدیریتی اتفاق بیفتد که این مفاهیم تولید شده با یک شیویی ملایم تبدیل به نوع زندگی بانوان بشوند.

براین اساس، باید یک پژوهش جامع و بعد منطقی نه رتبی از پژوهش هم یک برنامه‌ریزی جامع برای باز تولید مفهوم انتظار نسبت به مأموریت‌ها و مسئولیت‌های بانوان دنیای اسلام و بانوان شیعه بر دوش آن‌ها باشد. البته ما در تولید فرهنگ زندگی و تبدیل آن به برنامه می‌بایست در مقیاس کلان برنامه‌ریزی کنیم. اگر میدان درگیری ما با فرهنگ مدرن و ارزش‌های مدرنیته برای رسیدن به یک برنامه و فرهنگ برای همه‌ی ساحت‌های زندگی است، پس میدان درگیری بزرگ است. ما باید همیشه نقشه‌مان جامع باشد ولو مقیاس عمل‌مان کوچک. نیاز داریم به اینکه یک سلسله معارف را از متن دین استنباط بکنیم که با یک مسامحه از آن به استنباط مکتب‌ها تعبیر می‌کنیم. ما نیاز داریم به اینکه در حوزه اقتصاد، در حوزه روان‌شناسی، در حوزه جامعه‌شناسی و هر علم دیگری، مکتب دینی مربوط به آن علم را استنباط بکنیم. این ادراکات استنباطی هستند. (بیانات میرباقری، زن منتظر در جهان معاصر: ۱۳۹۰/۳/۳).

از سوی دیگر مهم‌ترین راهکار مقابله با حفظ هویت ایرانی اسلامی زن، تمدن غرب را باید استحاله کرد؛ والا وجهه غالب آن وجهه ظاهری نیست؛ بلکه وجهه نجسی است که نمی‌شود آن را سر سفره گذاشت. نخود و لوبیا هم نیست که آن را جدا کنید. سیستم را نمی‌شود جدا کرد؛ غرب‌گزینی مثل این است که چرخ بنز را روی فرمان رنو بگذاریم. طبیعتاً این فرمان نمی‌تواند آن را بچرخاند. باید با یک مدلی آن سیستم را در سیستم خودتان استحاله کنید. من معتقدم اسلام هم هیچ کجا‌گزینش نداشته است، یا برای انبیاء گذشته بوده و یا استحاله کرده است و استحاله غیر از گزینش کردن است. هیچ کدام از فناوری‌های بشر که برای انبیاء نبودند، اسلام گزینش نکرده بلکه استحاله کرده است. فرمول استحاله غیر از فرمول گزینش است. (میرباقری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۵).

مسئله حجاب، مسئله الگوی پیشرفت و الگوی توسعه‌ی غربی است. نمی‌شود شما به الگوی توسعه غربی ملتزم باشید؛ اما در عرصه‌ی حجاب با لوازمش مبارزه بکنید. وقتی شما شهر مدرن می‌سازی،

وقتی در شهر قم نماهای رومی بیشتر از شهرهای دیگر دیده می‌شود، وقتی فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای با لوازمش می‌آید، شما نمی‌توانید به راحتی با آثارش مبارزه کنید، چون این مبارزه با معلول است. وقتی هوشیارانه بخشی از گسترش صنعتی به سمت لوازم آرایش می‌رود، شما نمی‌توانید با لوازمش مبارزه کنید.

نکته‌ی مهم در امر حجاب این است که بحث پوشش اجباری یا غیر اجباری نیست، بحث انتخاب یکی از این دو مسیر است. هر کدام از این مسیرها اختیار و الزاماتی دارند. شما اگر توسعه‌ی غربی را پذیرفتید، یک الزاماتی دارد و اختصاص به ایران هم ندارد. شما اگر این الگوی توسعه را قبول کردید، باید به لوازمش هم ملتزم باشید. یکی از ارکان اصل توسعه، تغییر بافت انسانی است، بطوری که با توسعه همراه باشد. در توسعه‌ی سرمایه‌داری چون هدف رشد دائم‌التزاید تولید است، می‌خواهد انسانی تربیت کند که عواطف، آگاهی و انتخابش متناسب با توسعه‌ی سرمایه‌داری باشد؛ اگر باید بی‌رویه مصرف کند، باید انسان مصرفی تربیت کند، باید میل به مصرف را در او ایجاد کند تا مصرف افزایش پیدا کند. بنابراین عواطف، مهارت‌ها و کارکردهای انسان را در مسیر توسعه سرمایه قرار می‌دهد. (بیانات میرباقری در برنامه تلویزیونی جهان‌آرا: ۱۴۰۱/۷/۲۵).

نتیجه‌گیری

اسلام، بینشی مترقی نسبت به جایگاه زن در نظام خلقت ارائه داده است که برابری زن و مرد را در تمامی عرصه‌های اجتماعی و فردی به رسمیت می‌شناسد. در این راستا، گفتمان انقلاب اسلامی ایران نیز براساس آموزه‌های دینی، نگاهی متعادل به زن ارائه کرده است که در آن، نقش زن نه در انفعال و حاشیه‌نشینی خلاصه می‌شود و نه در تبدیل شدن به ابزاری برای نمایش. این دیدگاه در قالب «الگوی سوم زن مسلمان» که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، تعریف می‌شود. این الگو سه حوزه کلیدی را برای نقش‌آفرینی زن مشخص می‌کند: رشد و تهذیب شخصی، تشکیل و حفظ خانه و خانواده متعادل، ولایت و جهاد اجتماعی.

این الگو نه تنها به مدیریت و تقویت نهاد خانواده کمک می‌کند، بلکه به حفظ هویت ایرانی-اسلامی و ارائه راهکاری برای حل بحران‌های بین‌المللی در حوزه زنان می‌پردازد. توجه به این الگوی متعالی، ضروری است تا زنان بتوانند به‌عنوان عاملان مؤثر در تحکیم خانواده و پیشبرد جامعه ایفای نقش کنند و ظرفیت جهانی شدن این دیدگاه تقویت شود.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

* قرآن کریم

۱. بیانات رهبری در پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.
۲. بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴.
۳. بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان: ۱۳۷۹/۳/۰۶.
۴. بیانات میرباقری در برنامه تلویزیونی جهان‌آرا: ۱۴۰۱/۷/۲۵.
۵. بیانات میرباقری، زن منتظر در جهان معاصر: ۱۳۹۰/۳/۳.
۶. پایگاه خبری بانوان، معرفی شخصیت‌های برتر زن با حجاب اسلامی: ۱۴۰۲/۱۲/۸.
۷. پایگاه خبری ورزش زنان ایران: ۱۳۹۷/۱۸/۱۲.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۹۳.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، چاپ اول، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۶۳.
۱۰. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، آدینه سبز، ۱۳۸۹.
۱۱. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۹.
۱۲. میرباقری، محمد مهدی، عصر جدید: خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانی گام دوم، چاپ دوم، تهران، تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۳. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
۱۴. نورافروز، کیان‌دخت، ناچیز شمردن زن در درازنای روزگاران، چاپ اول، تهران، انتشارات اختران، ۱۳۸۴.
۱۵. هدایت نیا، فرج الله، الگوی سوم: الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه، تهران، انتشارات لشکر فرشتگان، ۱۳۹۵.

مقالات

۱. حسینی و همکاران، روح الله، امید، «امان؛ دو ماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی»، ش ۴۵، ۱۳۹۲.
۲. داورپناه، زهرا، «الگوی سوم رن مسلمان؛ تسلیم نشدن در مقابله دو گانه غرب و شرق»، پژوهشکده زن و خانواده، ش ۲، ۱۴۰۱، ص ۲۰۴-۲۰۹.